

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال شانزدهم، شماره چهارم

زمستان ۱۳۹۴، شماره مسلسل ۶۴

بررسی تحلیلی تاریخ‌نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم هجری

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۶

تاریخ تأیید: ۹۴/۵/۲۱

روح‌الله توحیدی‌نیا*

نعمت‌الله صفری‌فروشانی**

با از بین رفتن بخشی قابل توجه از تألیفات علمای امامیه در حوزه تاریخ‌نگاری، آثار نگاشته شده از سوی محدثان، مهم‌ترین منبع پژوهش در تاریخ تشیع و سیره معصومان علیهم‌السلام را تشکیل می‌دهد. این موضوع خاستگاه پیدایش این پرسش است که کاربست رویکرد و روش حدیثی در نگارش تاریخ، چه اثری بر گزاره‌های تاریخی داشته است و به طور کلی، تاریخ‌نگاری روایی امامیه از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ تحقیق حاضر برای پاسخ‌دادن به این پرسش، با رویکردی میان‌رشته‌ای، پس از ارائه گزارشی درباره بستر شکل‌گیری این کتب، به بررسی انگیزه محدثان از نگارش آن‌ها و مقایسه رویکرد آنان در نگارش تاریخ با دیدگاه تاریخ‌نگاران پرداخته است؛ و سپس ارزیابی سندی و محتوایی برخی گزاره‌های تاریخ‌نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم هجری را در دستور کار خود قرار داده است.

* دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران: r.tohidinia@ut.ac.ir

** دانشیار جامعه المصطفی العالمیه: emam.history@gmail.com

کلیدواژگان: امامیه، تاریخ‌نگاری شیعه، تاریخ‌نگاری روایی، محدثان شیعه، نقد متن.

مقدمه

در قرون گذشته شیعیان همواره برای تاریخ‌نگاری و سیره‌نویسی اهمیت ویژه‌ای قائل بودند. تنها نجاشی (م ۴۵۰ هـ.ق) از ۱۳۵۵ اثر شیعیان در موضوعاتی چون حروب، فتن، مقاتل، ایام العرب، انساب، رجال، شرح حال نگاری، تک‌نگاری، تاریخ عمومی، تاریخ محلی، سیره و تاریخ انبیا نام برده است.^۱ امروزه دسترسی به این آثار، به اطلاعات اندک فهرست‌نگاشته‌های قرن چهارم و پنجم محدود است اما این موضوع به معنی عدم امکان دستیابی به تاریخ تشیع و زندگانی ائمه علیهم‌السلام نیست زیرا علمای امامیه، در کنار تاریخ‌نگاران، بر اهمیت ثبت گفتار و رفتار معصومان علیهم‌السلام تأکید داشته‌اند و به آن اقدام نموده‌اند.

مهم‌ترین تاریخ‌نگاران امامیه تا نیمه قرن پنجم^۲ که از آنان روایات پرشمار و یا آثار مستقلاً باقی است، عبارتند از: اصْبَغ بن نُباتَه (م اواخر قرن اول)، سُلَیم بن قَیس هِلالی (م حدود ۷۶ هـ.ق)، جابر بن یزید جُغَی (م ۱۲۸ هـ.ق)، اَبان بن تَغَلِب (م ۱۴۱ هـ.ق)، هشام بن محمد کَلَبی (م ۲۰۴ هـ.ق)، نَصْر بن مُزاحم (م ۲۱۲ هـ.ق)، محمد بن حسن بن جُمهور (م ۲۱۰ هـ.ق)، ابوصلت هروی (م ۲۳۶ هـ.ق)، فارس بن حاتم قزوینی (م حدود ۲۵۰ هـ.ق)، سَلَمَه بن خَطاب (م اواخر قرن سوم)، ثُبَیْت بن محمد (م بعد از ۲۵۰ هـ.ق)، ابو عبدالله الفَزاری (م قرن سوم)، محمد بن خالد بَرَقی (م ۲۷۴-۲۸۰ هـ.ق)، محمد بن حسن صَفَّار (م ۲۹۰ هـ.ق)، عبدالله بن جعفر جمیری (م اواخر قرن سوم)، اسماعیل بن علی نُوبختی (م ۳۱۱ هـ.ق)، محمد بن مسعود عیاشی (م ۳۲۰ هـ.ق)، ابن ابی الثَّلج (م ۳۲۵ هـ.ق)، شیخ کَلینی (م ۳۲۹ هـ.ق)، عبدالعزیز بن یحیی جَلودی (م ۳۳۲ هـ.ق)، محمد بن هَمَّام اسکافی (م ۳۳۶ هـ.ق)، علی بن حسین مسعودی (م ۳۴۶ هـ.ق)،^۳ ابوالقاسم کوفی (م ۳۵۲ هـ.ق)، حُسَین بن حمدان خصیبی (م ۳۵۸ هـ.ق)، شیخ صدوق (م ۳۸۱ هـ.ق)، محمد بن جَریر طبری (م نیمه اول قرن پنجم هـ.ق)،^۴ شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ.ق) و حُسَین بن عبدالوَهَّاب (م

قرن پنجم هـ.ق).

در تبیین تاریخ‌نگاری روایی باید گفت اگر تاریخ‌نگاری، رویکرد علمی مورخ به داده‌های تاریخی بر مبنای دانش تاریخ و اصول نقد گزاره‌های تاریخی دانسته شود، تاریخ‌نگار تمام اعتبار علمی خود را مدیون تلاشی است که درباره گزاره‌های تاریخی مبتنی بر اصول تاریخ‌شناسی انجام می‌دهد. به این اعتبار تاریخ‌نگاری به عنوان رویکردی علمی و حرفه‌ای در مقابل وقایع‌نگاری که رویکردی غیرعلمی و غیرحرفه‌ای است قرار می‌گیرد. از طرفی منابع بر جای مانده امامیه در حوزه‌های مختلف، به ویژه تاریخ زندگانی معصومین علیهم‌السلام، بیشتر توسط محدثان نگارش یافته است. از آن جا که در موارد بسیاری، اصول نقد خبر مورد توجه آنان بوده است، نمی‌توان تمام گزاره‌های تاریخی نقل شده از محدثان امامیه را غیرعلمی، و به عبارتی وقایع‌نگاری، دانست. با این حال رویکرد حدیثی آنان در مواجهه با گزاره‌های تاریخی سبب شده تا در بسیاری موارد اصول تاریخ‌نگاری رعایت نشود. بنابر این، فرضیه نوشته حاضر آن است که منابع برجای مانده از تاریخ‌نگاری امامیه ماهیت متفاوتی دارد و به دلیل حاکمیت قواعد حدیثی در نگارش تاریخ، تعبیر تاریخ‌نگاری روایی بر آن اطلاق خواهد شد. پرسش بنیادین تحقیق آن است که کاربست رویکرد و روش حدیثی در نگارش تاریخ، چه اثری بر گزاره‌های تاریخی داشته است و به طور کلی، تاریخ‌نگاری روایی امامیه از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟

باید توجه داشت که به‌رغم در نظر داشتن صحت بسیاری از گزاره‌های تاریخی کتب یاد شده، گونه‌شناسی منابع تاریخ‌نگاری روایی و شناخت ویژگی‌های آن، تأکیدی بر لزوم ارزیابی سندی، متنی و روشی گزاره‌های تاریخی کتب و مجامع حدیثی است؛ زیرا راستی آزمایی این گزاره‌ها از طرفی سبب پالایش برخی گزاره‌های نادرست این کتب خواهد بود و از سوی دیگر موجب بازشناسی آثار ارزشمند تاریخی در این حوزه می‌شود. فایده دیگر تحقیق آن است که محقق سیره معصومان علیهم‌السلام، با شناخت ویژگی‌های تاریخ‌نگاری روایی امامیه، نقد و تحلیل جامع‌تری را از داده‌های تاریخی این کتب ارائه خواهد کرد.

پیشینه تحقیق

پژوهش مستقلی در زمینه مساله یا موضوع تحقیق حاضر یافت نشد؛ اما کتب و مقالاتی در ارتباط با آن نگارش یافته، که در چند بخش قابل ذکر است. درباره سیر تاریخ‌نگاری امامیه تا نیمه قرن پنجم، کتبی هم‌چون میراث مکتوب شیعه از سیدحسین مدرسی و تاریخ‌نگاری شیعه به قلم علی امامی‌فر^۵ و مقالاتی با عنوان «تاریخ‌نگاری شیعیان در سده‌های نخستین» تالیف منصور داداش‌نژاد و «تاریخ‌نگاری شیعه در رجال نجاشی» از نرگس مجیدی‌نسب و تحقیقی با عنوان «سیر تاریخ‌نگاری امامیه از قرن سوم تا هفتم» به قلم منصوره بخش‌ی نگارش یافته و منتشر شده است. در این تحقیقات علاوه بر معرفی منابع تاریخی، تأثیر این آثار در نوشته‌های پس از آن نیز بررسی شده است. کتبی نیز به طور مستقل به تاریخ‌نگاران و تاریخ‌نگاری امامیه پرداخته‌اند که برای نمونه می‌توان از کتاب شیخ مفید و تاریخ‌نگاری نوشته قاسم خانجانی نام برد. هم‌چنین تحقیقاتی به معرفی مکاتب حدیثی امامیه و مهم‌ترین شخصیت‌های آنان پرداخته‌اند. کتاب مکتب حدیثی قم نوشته محمدرضا جباری و مکتب حدیثی شیعه در کوفه تا پایان قرن سوم نوشته سعید شفیعی^۶ از جمله این آثارند.

در برخی آثار به ارزیابی اخبار منابع تحقیق حاضر اشاره شده است که می‌توان از کتاب‌هایی چون اصول منہج النقد عند اهل الحدیث نوشته عصام أحمد البشیر، منہج النقد فی علوم الحدیث به قلم نورالدین عتر^۷، منہج نقد المتن عند علماء الحدیث النبوی نوشته صلاح الدین بن احمد الأدلبی نام برد.^۸ هم‌چنین وضع و نقد حدیث نوشته عبدالهادی مسعودی^۹ مبانی و روش‌های نقد حدیث از دیدگاه اندیشوران شیعه به قلم داوود معماری^{۱۰}، معیارهای شناخت احادیث ساختگی نوشته قاسم بستان^{۱۱}، مبانی و روش‌های نقد حدیث در کتب اربعه به قلم فتحیه فتاحی‌زاده^{۱۲} و درسنامه وضع حدیث نوشته ناصر رفیعی از جمله تلاش‌های شیعیان در این باره است. در این بین برخی محققان تلاش کرده‌اند با بررسی دقیق

محتوای برخی از اخبار مجامیع روایی شیعه، نشان دهند که همه اخبار موجود در این کتب را نباید به عنوان باورهای رسمی شیعه تلقی نمود. برای نمونه می‌توان از کتاب الموضوعات فی الآثار و الاخبار نوشته هاشم معروف الحسنی^{۱۳} نام برد.

برخی تحقیقات منتشر شده در باره نقد احادیث و گزاره‌های تاریخی، هم‌چون کتاب گفتارهایی در نقد متن نوشته احمد پاکتچی^{۱۴} و مقالات «نقد تاریخی در آثار تاریخ‌نگاران مسلمان» به قلم حسن حسین‌زاده شانه‌چی^{۱۵}، «جایگاه و نقش عقل در نقد حدیث» نوشته غلام‌حسین اعرابی و جواد محمدی^{۱۶}، «دروغ‌پردازان در حوزه حدیث شیعه» به قلم محمدعلی رضایی^{۱۷}، «رابطه تاریخ و فهم و نقد حدیث» نوشته مجید معارف^{۱۸} و مقالات شماره ۱۳ مجله پژوهش و حوزه، تحقیق حاضر را در به‌کارگیری سنجه‌های ارزیابی گزاره‌های تاریخی یاری می‌کند.

روش تحقیق

نوشته حاضر تحقیقی میان‌رشته‌ای است که در آن شیوه‌های مختلف تاریخی، حدیثی، رجالی و کلامی به کار گرفته می‌شود. روی‌آورد تحقیق^{۱۹} بررسی منابع مورد نظر از دو منظر بیرونی و درونی خواهد بود. در بخش ویژگی‌های بیرونی، چگونگی شکل‌گیری تاریخ‌نگاری روایی و رویکرد محدثان در نگارش آن بررسی می‌شود و در بخش ویژگی‌های درونی، که متأثر از بخش اول است، مهم‌ترین ویژگی‌های سندی و محتوایی تاریخ‌نگاری روایی ارائه می‌شود. در تحقیق حاضر حجیت کلام معصوم علیه السلام به عنوان پیش‌فرض در نظر گرفته شده و تمرکز اصلی بر مواردی است که یک روایت حاوی گزارش تاریخی به دلیل داشتن مشکلات سندی و متنی، قابلیت استناد به معصوم علیه السلام را ندارد.

پیش از ورود به بحث باید توجه داشت که بررسی‌های انجام شده در برخی منابع تاریخ‌نگاری روایی^{۲۰} نشان می‌دهد که این آثار به دو گروه قابل تقسیمند. گروهی که شامل تاریخ‌نگاری محدثان بزرگ امامیه یعنی شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید و

محدثان دیگر می‌شود و گروه دوم که بر خلاف دسته اول کمتر به راستی آزمایی اخبار خود توجه داشته‌اند. برای نمونه در دسته دوم می‌توان از مؤلفان کتاب‌های *بصائر الدرجات*، *الهدایة الکبری*، *اثبات الوصیه* و *دلائل الامامه* نام برد. با این حال، تحقیق حاضر از آثار هر دو گروه برای بیان ویژگی‌های مهم تاریخ‌نگاری روایی استفاده می‌کند. شایان ذکر است که در نقش بی‌بدیل این میراث در حفظ و شکوفایی مکتب تشیع شکی نیست و نوشته حاضر، مقدمه‌ای برای آشکار نمودن غنای گزاره‌های تاریخی موجود در این کتب و فراگیری بیشتر آن‌ها در مجامع علمی خواهد بود. البته مشکلاتی که در روش تاریخ‌نگاری روایی مطرح می‌شود، در بسیاری از منابع تاریخی نیز قابل ذکر است اما میزان پای‌بندی به روش‌های تاریخی، امری است که همواره به عنوان شرایط مطلوب در منابع تاریخی مورد توجه بوده است.^{۲۱} نکته پایانی آن که، ویژگی‌هایی که در ادامه در دو بخش ویژگی‌های بیرونی و درونی تاریخ‌نگاری روایی ذکر می‌شود به معنی عمومیت داشتن آن‌ها نیست؛ بلکه ویژگی‌های شایع در این نوع نگارش به شمار می‌رود.

الف. ویژگی‌های بیرونی

مقصود از ویژگی‌های بیرونی، خصوصیات برآمده از نقد بیرونی تاریخ‌نگاری روایی است. در این نوع از نقد، روابط متن با تولیدکننده متن، زمان و مکان آن و محیط اجتماعی پیرامون آن بررسی و تحلیل می‌شود.^{۲۲} به تعبیر دیگر، در این نوع نقد، ماهیت و سرچشمه‌های منابع مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.^{۲۳} در ادامه دو ویژگی بیرونی مهم از تاریخ‌نگاری روایی بررسی می‌شود.

الف. ۱) انگیزه محدثان از نگارش تاریخ

از آن جا که وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هر عصر بر فعالیت عالمان، به عنوان بخشی از جامعه، اثرگذار است، توجه به موقعیت و زمانه نخستین نگارندگان کتب حدیثی، برای دستیابی به میزان تأثیر بستر تاریخی در شکل‌گیری تاریخ‌نگاری روایی ضروری است. این تأثیر در گونه‌های مستقیم و غیرمستقیم قابل پیگیری است. در گونه نخست می‌توان به محدود شدن نگارش عالمان به بخشی از معارف دینی اشاره کرد زیرا

کتب حدیثی محصول بازآفرینی و گزینش آنان از بین تعداد زیادی از اخبار موجود است. به نظر می‌رسد نیاز درونی جامعه امامیه، اساسی‌ترین نقش را در این گزینش داشته است. هم‌چنین درباره اثرگذاری غیرمستقیم بستر تاریخی بر شکل‌گیری تاریخ‌نگاری روایی، می‌توان به پذیرش و نقل اخبار معروف، که گاه بر خلاف واقع بوده است، اشاره کرد.^{۲۴} در این جا به بسترشناسی مقطع مهمی از تاریخ تدوین کتب حدیثی، یعنی دوره غیبت صغری و آغاز غیبت کبرای امام زمان علیه السلام اشاره می‌شود که نمونه‌ای است از تأثیرات یاد شده در تاریخ‌نگاری روایی.

امام حسن عسکری علیه السلام (م ۲۶۰ هـ.ق)، در حالی از دنیا رفتند که جانشینشان برای توده مردم مشخص نبود. این مسأله دو پی‌آمد مهم را به دنبال داشت. نخست آن که جامعه شیعی دچار اختلافات داخلی بی‌سابقه شد چنان که نوبختی (م قرن ۳ هـ.ق) از ۱۴ فرقه شیعی پس از امام یازدهم علیه السلام خبر داده است.^{۲۵} آن‌چه وضعیت را برای شیعیان دشوار کرد، تلاش این فرقه‌ها برای مقابله با امامیه بود که از هر دوره آسیب‌پذیرتر به نظر می‌رسیدند.^{۲۶} از طرفی تحیر فکری و عملی در بین امامیه موج می‌زد و سوالاتی مانند چرایی و چگونگی غیبت و چیستی وظایف منتظران در اذهان وجود داشت. در همین دوران، از یک سو فعالیت گسترده علمای اهل سنت، جوامع حدیثی ایشان را پدید آورد و سبب رونق و رشد علمی آنان شد و از سوی دیگر شیعیان زیدی و اسماعیلی، اقدامات سیاسی را در برابر حکومت دنبال می‌کردند.^{۲۷} بنابراین امامیه در برابر دو رویکرد حدیث‌گرایی اهل سنت و عمل‌گرایی زیدیه و اسماعیلیه، وضعیت اجتماعی و سیاسی مناسبی نداشت. این شرایط می‌توانست موجب انحراف یا انحلال مکتب امامیه شود.

علمای امامیه در واکنش به شرایط پدیدآمده در این مقطع مهم تاریخی، ثبت و ترویج اخبار اهل بیت علیهم السلام را در اولویت کار خود قرار دادند تا به نیاز و پرسش شیعیان درباره چگونگی حیات فکری و عملی در دوره غیبت پاسخ دهند. اما این اقدام حیات‌بخش پی‌آمدهایی نیز به دنبال داشت. تمرکز بر حل نیاز عمومی سبب شد از دقت لازم برای

گزینش اخبار کاسته شود که از شواهد مهم آن، حجم کتب حدیثی در این دوره است.^{۲۸} از طرفی، به‌رغم تلاش بسیار محدثان برای جلوگیری از ورود روایات نادرست به مجامع علمی، بخش قابل توجهی از روایات گروه‌های مختلف، در نگارش آنان نفوذ کرد. برای نمونه بسیاری از اخبار *غالیان* که دارای محتوای به ظاهر مفیدی بود مورد پذیرش قرار گرفت و نقل شد.^{۲۹} شاید به همین دلیل است که محدثان در بیشتر نگارش‌های خود، بر صحت تمامی روایات مندرج در آثارشان تأکید ندارند.^{۳۰} آسیب دیگر شرایط یاد شده آن بود که بسیاری از کتب تاریخی اصیل به دلایلی چون توافق نداشتن با مبانی کلامی امامیه در آن عصر، مورد بی‌مهری قرار گرفت و از بین رفت. برای نمونه از *عبدالعزیز بن یحیی جلودی* (م ۳۳۲هـ.ق) که در شمار نخستین مورخان پرکار شیعه قرار دارد اثر مستقلی بر جای نمانده و روایتی در کتب اربعه نقل نشده است.^{۳۱} همچنین حفظ و ضبط مواریث شیعه از اهداف مهم دیگر محدثان بود که خود سبب عدم سخت‌گیری در پذیرش روایات شد^{۳۲} و به‌طور کلی نظام‌واره حدیث، از نخستین مراحل خود در بستری و به‌گونه‌ای شکل گرفت که جلوگیری از نفوذ اخبار ضعیف یا جعلی در آن بسیار دشوار بود.^{۳۳}

الف. ۲) رویکرد محدثان در برخورد با گزاره‌های تاریخی

مطابق آن چه گذشت، اندیشه حاکم بر تاریخ‌نگاری روایی، تفکرات حدیثی و کلامی بوده است. در ادامه، مهم‌ترین ابعاد رویکرد محدثان در برخورد با گزاره‌های تاریخی در چهار بخش بررسی می‌شود.

۱. سامان‌دهی تمام آموزه‌های دین در قالب حدیث

نخستین ویژگی کتب حدیثی آن است که محدثان تمام آموزه‌های دین را در قالب حدیث گنجانده و ارائه داده‌اند. چنان که رویکرد کلی در مکتب حدیثی قم آن بود که نباید به عقل به عنوان یک ابزار مستقل نگاه کرد و استفاده از عقل نیز باید حول محور نص باشد.^{۳۴} این محدودیت‌نگری و وابستگی شدید به حدیث سبب شد تا هنگام نقل گزاره‌های تاریخی، نقشی برای استنباط عقلی در نظر گرفته نشود حال آن که هر یک از گونه‌های علوم دینی، و از جمله علوم تاریخی، زمانی نتیجه مطلوب را به دنبال دارد که مطابق شیوه

و قالب خود ارائه گردد. شاید به همین دلیل است که مسعودی بر تخصصی بودن تاریخ‌نگاری تأکید کرده و نگارش تاریخ را تنها از صلاحیت‌های تاریخ‌نگاران دانسته است.^{۳۵} البته مقصود آن نیست که اهل قم با هر گونه استدلال عقلی برای اثبات یا حل موضوعات دینی و مذهبی مخالف بوده‌اند؛^{۳۶} بلکه شیوه محافظه‌کارانه و سنت‌گرای حدیثی سبب شد تا مبانی علوم دیگر به نوعی در انزوا قرار گیرد. آنان حتی زمانی که به تدوین مجموعه‌های فقهی مشغول می‌شدند، آن را هم‌چون کتب حدیثی می‌نگاشتند و گویا از نوشتن محتوایی جز نص امتناع داشتند.^{۳۷} البته در این که تاریخ‌نگاران دیگر نیز در این دوره با قالب حدیثی کار خود را سامان داده‌اند سخنی نیست؛ اما مهم آن است که مورخان تلاش کرده‌اند تا قواعد و قوانین تاریخی را رعایت کنند^{۳۸} در حالی که این رویکرد در تاریخ‌نگاری روایی دیده نمی‌شود.

۲. بی‌توجهی به عناصر تاریخ

قوام یک تدوین تاریخی بازمی‌گردد به در نظر داشتن عناصر تاریخ یعنی زمان، مکان، شخصیت و رویداد. کتبی که در گونه تاریخی قرار گرفته‌اند مطابق همین مولفه‌ها نگارش یافته‌اند، بر خلاف تاریخ‌نگاری محدثان که بدون توجه به این موارد و بیشتر با رویکرد جمع‌آوری اخبار انجام شده است. توجه به عناصر یاد شده، سبب می‌شود تا به جزئیات نگاهی واقع‌بینانه و بدون جانب‌داری شود چنان‌چه /بومخفف سعی کرده است تا در گزارش‌های تاریخی خود به همه جزئیات یک واقعه توجه کند.^{۳۹} وی با این که گاه در برخی از گزارش‌های مربوط به /امام حسین علیه السلام، /توابع و مختار برخوردی هم‌دلانه با شیعیان دارد، اما همواره جانب‌داری را کنار گذاشته و در بین اخبار خود به گزارش‌های مخالفان شیعه نیز پرداخته است.^{۴۰}

یکی دیگر از تفاوت‌های اساسی رویکرد محدثان و مورخان در مواجهه با یک حادثه تاریخی، نوع نگرش آنان به مقوله تاریخ‌نگاری است. برای نمونه، طبری - با آن که در مقدمه کتابش تأکید می‌کند که تاریخ‌نگاری، نقل خبر است - همواره می‌کوشد تا دقت، شفافیت و هماهنگی را در بین عناصر تاریخ رعایت کند اما در تاریخ‌نگاری روایی به این

مسائل توجه نشده است. چنان‌چه شیخ مفید هیچ‌گاه به عنوان یک مورخ برای گزارشی این چنین، دست به قلم نشده بلکه تنها با هدف دفاع از حریم ائمه علیهم‌السلام، دفع شبهه از مومنان و مقابله با دشمنان وارد عرصه تاریخ‌نگاری شده است.^{۴۱}

موضوع مورد غفلت دیگر در نگارش روایی تاریخ، ویژگی فرآیندی و سلسله‌مندی وقایع است. از مسائل حائز اهمیت در تاریخ‌نگاری، دست‌یابی به فرآیند است.^{۴۲} به بیان دیگر، مورخ ورای گردآوری روایات، مقایسه آن‌ها و دست‌یابی به واقعیت‌ها، به توجیه و تفسیر آن نیز نظر دارد زیرا این تفاسیر هستند که بین جزئیات رابطه برقرار کرده، آن‌ها را به هم پیوند می‌دهند.^{۴۳} در مقابل این رویکرد، در تاریخ‌نگاری روایی مؤلفان به دنبال ارائه‌های مرحله‌ای به هم تنیده و سازمان‌یافته از زمان و مکان و شخصیت نبوده‌اند بلکه بیشتر به دنبال بهره‌برداری موردی و موضوعی از گزاره‌ها برای رسیدن به اهداف کلان‌تر یعنی اهداف کلامی بوده‌اند.

۳. عدم توجه به نقد و تحلیل

نقد و تحلیل تاریخی داده‌ها سابقه‌ای طولانی دارد و بسیاری از مورخان متقدم، دیدگاهی انتقادی به داده‌های تاریخی داشته‌اند و در این راستا سنجه‌های مشخصی را به کار گرفته‌اند؛^{۴۴} چنان‌چه مسعودی به مقایسه هر خبر با اخبار منقول مرتبط با آن پرداخته^{۴۵} و یا داده‌های خارج از شرع را به عقل عرضه کرد و یا اخبار را به سه قسم ممکن، ممتنع و ضروری تقسیم نمود و سپس این تقسیم را معیار و چارچوبی برای مشاهده پدیده‌ها دانست.^{۴۶} ارزش استنتاج عقلی برای مورخ به اندازه‌ای است که گاه داده تاریخی را به وسیله آن اثبات یا رد می‌کند؛^{۴۷} چنان‌چه طبری در مواردی پس از بیان گزارش‌های مختلف، به داوری پرداخته است.^{۴۸} اما در تاریخ‌نگاری روایی، محدثان هیچ‌اhtمامی به نقد و تحلیل گزاره‌ها نداشته‌اند.^{۴۹} نمونه این رویکرد در تاریخ‌نگاری شیخ مفید مشاهده می‌شود. وی به نقل گزاره‌های طولانی از ابومخنف و طبری پرداخته و در عین حال توجهی به تناقضات موجود در آن نداشته است و حتی برخی موارد ناصحیح را نیز ذکر کرده است؛ مثلاً در گزارشی خبر از پیشنهاد امام حسین علیه‌السلام برای بیعت با یزید می‌دهد.^{۵۰}

این در حالی است که طبری پس از نقل این خبر، آن را به نقل از ابومخنف رد کرده است.^{۵۱} نمونه دیگر در برخی روایات کتاب کافی مشاهده می‌شود که با عقل سازگار نیست. مطابق روایتی درباره ماجرای حمله لشکر ابرهه به مکه، عبدالمطلب سنگ‌های ریز درون منقار پرندگان را از آن فاصله می‌بیند. از طرفی این سنگ‌ها از مقعد پرنده خارج می‌شود. در همین خبر آورده شده است که یک پرنده تا حبشه پرواز کرد تا آخرین فرد از این لشکر را به هلاکت برساند.^{۵۲} در خبری دیگر در حالی که امام علی علیه السلام بر روی منبر در حال خطابه است، یک جن در حالی که خود را به شکل اژدها درآورده، با آن حضرت گفتگو می‌کند و راوی نیز آن لحظات را مشاهده و به صورت تفصیلی نقل می‌کند.^{۵۳}

۴. بی توجهی به امکان وقوع اخبار

عقلا همان گونه که در اثبات و نفی هر مسأله بر اساس شواهد قابل قبول و اعتمادآفرین عمل می‌کنند، در تاریخ نیز بر همین منوال به گزاره‌های تاریخی می‌نگرند.^{۵۴} به عبارت دیگر، مایه فعالیت یک مورخ، واقعه است و مورخ با روایت گام به گام وقایع، نظام علت و معلولی کنش‌های انسانی را به تصویر می‌کشد. تاریخ‌نگار وظیفه خود می‌داند که در برخورد با هر خبر، بستر شکل‌گیری آن را بسنجد و مسؤولانه به این پرسش پاسخ دهد که آیا وقوع چنین رویدادی در شرایط و بستر تاریخی‌اش امکان دارد؟^{۵۵} با این حال در بسیاری از گزاره‌های تاریخ‌نگاری روایی، بستر واقعه مورد توجه نبوده است و همانند روایات اخلاقی و تفسیری، برخوردی تسامحی با اخبار تاریخی صورت گرفته است. در بیانی ساده باید گفت که مورخ کار کشفی می‌کند و برای نزدیک‌تر شدن به واقعیت، به حل مسأله یا اثبات آن می‌پردازد، اما محدث بیشتر به نسبت داشتن حدیث با معصوم علیه السلام نظر دارد. برای نمونه شیخ صدوق در گزارشی آورده است که اهل قم در قرن سوم و چهارم به ناصبی‌ها گرایش داشته‌اند.^{۵۶} این در حالی است که قم از نیمه دوم قرن اول به عنوان مرکزی شیعی شناخته می‌شده و گزارشی حاکی از گرایش آنان به ناصبیان یافت نشده است. یا مطابق خبری از شیخ مفید، یکی از معجزات امام علی علیه السلام آن است که

هیچ جراحی در جنگ‌ها به ایشان وارد نشده است^{۵۷} در حالی که طبق مسلمات تاریخی، آن حضرت در برخی جنگ‌ها به شدت مجروح شدند.^{۵۸}

ب. ویژگی‌های درونی

ویژگی‌های درونی تاریخ‌نگاری روایی، برآمده از نقد درونی منابع است. نقد درونی معطوف به دلیل است؛ محتوای متن را ارزش‌یابی می‌کند و به پرسش‌هایی چون میزان اعتبار و دقت در داده‌ها و میزان نزدیک شدن به نقل حقایق پاسخ می‌دهد.^{۵۹} پاسخ به این موارد درباره تاریخ‌نگاری روایی امامیه، در دو بخش سندی و محتوایی بررسی می‌شود.

ب.۱) ویژگی‌های سندی

باید گفت از ویژگی‌های مثبت تاریخ‌نگاری روایی ذکر اسناد خبر است. این موضوع علاوه بر آشکار کردن اطلاعات مهم تاریخی به هنگام تحلیل اسناد، نشان می‌دهد که نویسندگان کتب حدیثی امامیه به دنبال جعل خبر نبوده‌اند زیرا در اخبار متعددی، از اشخاص یا طریقی ضعیف، روایت نقل کرده‌اند در حالی که می‌توانستند با انتساب خبر به افراد موثق و مورد پذیرش امامیه، اعتماد مخاطبان را جلب نمایند. با این حال، نقد اسناد اخبار تاریخ‌نگاری روایی، ویژگی‌های مهمی را نمایان خواهد کرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. تسامح در شناخت راوی و طریق سند

بررسی اسناد گزاره‌های تاریخ‌نگاری روایی نشان می‌دهد که در موارد متعددی در شناخت راویان از نظر فردی و تمایلات مذهبی آنان تسامح شده است. برای نمونه، در خبری که اسامی امامان علیهم‌السلام در آن ذکر شده است، نام سه محمد علیهم‌السلام و سه علی علیهم‌السلام در میان امامان وجود دارد؛^{۶۰} در حالی که نام چهار تن از امامان، علی علیهم‌السلام است. بررسی سند این خبر حاکی از آن است که *ابوالجارود زیدی* ناقل حدیث بوده و در دوره وی هنوز تعداد ائمه علیهم‌السلام کامل نشده است. در گزارشی دیگر خبر داده شده که امام علی علیهم‌السلام از طرف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مأمور شد تا با تعداد زیادی از اصحاب به جنگ جنیان برود.^{۶۱} سند این روایت به *ابن عباس* ختم می‌شود که در زمان نقل روایت، یک کودک بوده است. محدثان در

حالی به این خبر اعتماد کرده‌اند که هیچ یک از همراهان امام علی علیه السلام در این پیکار با جنیان، این خبر را نقل نکرده‌اند. در اسناد خبر دیگری که مورد پذیرش شیخ کلینی^{۶۲} و خصیبی^{۶۳} واقع شده، در طریق روایت یک/الاع قرار دارد. در خبری دیگر وقتی از نامی پرتکرار در اسناد اخبار پرسیده می‌شود، راوی پاسخ می‌دهد که وی مردی بود که از آسمان فرود آمد و پس از نقل احادیثی به آسمان بازگشت.^{۶۴} هم‌چنین در برخی موارد اخباری نقل شده که امکان روایت از افراد ذکر شده در سند آن وجود ندارد چنان‌چه خصیبی به طور مستقیم از محمد بن مسلم (م ۱۵۰هـ.ق)، ابوبصیر اسدی (م ۱۵۰هـ.ق) و ابوحمزه ثمالی (م ۱۵۰هـ.ق) روایت کرده است.^{۶۵} پدیده شایع دیگر در کتب حدیثی نقل خبر از افراد مجهول و ناشناس است.^{۶۶} هم‌چنین در موارد فراوانی ارسال سند وجود دارد و از عباراتی چون «عمّن حدثه»، «عمّن اثبته»، «رفعه الیه»، «بعض اصحابنا» و «عن جلیس له» استفاده شده است.^{۶۷}

۲. بی توجهی به تمایلات فرقه‌ای راویان

رسوخ عقاید فرقه‌های دیگر در کتب حدیثی امامیه از ویژگی‌های دیگر تاریخ‌نگاری روایی است. این مسأله بیش از هر عامل دیگر، ناشی از تعامل فکری و فرهنگی بزرگان مذاهب با یک‌دیگر است. با بررسی اجمالی تمایلات مذهبی افراد حاضر در اسناد این گونه روایات، تأثیر قابل توجه این مسأله در گزاره‌های تاریخی به دست می‌آید.^{۶۸} برای نمونه در برخی اخبار کتاب *دلائل الامامه*، *عقاید اسماعیلیه*^{۶۹} و *جارودیه*^{۷۰} درباره ظهور و قیامت مشاهده می‌شود. طبق روایتی دیگر، مدت زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام هفت سال است که به فرمان خدا مدت هر سال به اندازه ده سال است.^{۷۱} بررسی این خبر نشان می‌دهد که در سند روایت، واقفیان هفت امامی حضور دارند که عدد هفت برای آنان مقدس بوده است و موفق شده‌اند تا این عدد را در برخی گزاره‌ها بگنجانند. نمونه دیگری که تمایلات فرقه‌ای در آن مشاهده می‌شود اخباری است که از راویان زیدی مذهب نقل شده و محتوای آن بر ضد برخی باورهای عمومی زیدیه است. به نظر می‌رسد نقل این

روایات به دوره‌ای بازمی‌گردد که اختلاف زیادی بین زیدیان و امامیان وجود داشته است.^{۷۲} در کتاب *دلائل الامامه* روایاتی از روایانی با مذاهب *واقفیه*،^{۷۳} *فطحیه*^{۷۴} و *کیسانیه*^{۷۵} نیز دیده می‌شود. در برخی کتب نیز نفوذ تعداد زیادی از روایان غالی مشاهده می‌شود، چنانچه هاشم معروف الحسنی از چهل و یک فرد غالی و دارای گرایش ضعیف مذهبی در اسناد کتاب *کافی* نام می‌برد.^{۷۶} برای نمونه می‌توان به روایات *جعفر بن محمد بن مالک فزاری* اشاره کرد. وی فردی غالی^{۷۷} است که نجاشی^{۷۸} و *ابن غضائری*^{۷۹} بر فاسد بودن مذهب وی تأکید کرده‌اند. با این حال روایات وی از سوی شیخ صدوق مورد استقبال قرار گرفته است.^{۸۰}

۳. برخورد دوگانه با روایان

از ویژگی‌های مربوط به اسناد تاریخ‌نگاری روایی، برخورد دوگانه با روایان اهل سنت است. در برخی موارد به صرف سنی بودن راوی، خیرش کنار گذاشته شده است و در مقابل اگر سخنی در تأیید مبانی کلامی امامیه نقل کرده باشد آن خبر ذکر شده است. برای نمونه، شیخ صدوق در بخش اثبات امامان دوازده‌گانه به روایت از عبدالله بن مسعود، جابر بن سمره، سعید بن مسیب، عبدالرحمن بن سمره، سعید بن جبیر، عبدالله بن عباس و... می‌پردازد.^{۸۱} به نظر می‌رسد روایات اهل سنت در این نوع تاریخ‌نگاری بیشتر به عنوان ابزاری برای *مقابله با خصم* به کار گرفته شده است.^{۸۲} ازین رو در برخی ابواب این کتب، بر عدم اعتماد به اخبار این گروه تأکید شده است. طبق روایتی در کتاب *بصائر الدرجات*، هنگامی که از ائمه علیهم‌السلام درباره اخبار اهل سنت پرسیدند، آنان به اجمال قول اهل سنت از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را تأیید کردند اما بلافاصله تأکید نمودند که علم حقیقی نزد ماست.^{۸۳} این در حالی است که بسیاری از گزاره‌های تاریخی مربوط به سیره معصومان علیهم‌السلام از اهل سنت روایت شده^{۸۴} و با تشخیص عدم وجود انگیزه جعل در آنها قابل استفاده‌اند و در برخی موارد با استفاده از اخبار و گزاره‌های آنان، امکان اصالت بخشی، افزایش اعتبار، جبران ضعف اخبار شیعه، بازیابی اخبار ائمه علیهم‌السلام و تبیین جهات معنایی سیره آنان به وجود

می‌آید.^{۸۵} آسیب دیگر این برخورد دوگانه، ورود بسیاری از گزاره‌های غیرمنطقی به میراث مکتوب حدیثی است چنان‌چه در بیان فضائل و معجزات ائمه اطهار علیهم‌السلام، محدثان شیعه بارها به نقل اخبار اهل سنت پرداخته‌اند؛ این در حالی است که افراد غیرقابل اعتمادی در اسناد این روایات حضور دارند.^{۸۶}

۴. شخصیت محوری و تکیه بر قواعد ثقه‌ساز

از ویژگی‌های بارز محدثان در پذیرش خبر، شخصیت محوری است؛ به این معنی که به صرف مشاهده نام فردی مشهور به پاکی و درستی در سند، خبر را پذیرفته‌اند.^{۸۷} این در حالی است که ساخت حدیث با اسناد جعلی امری رایج بوده است. برای نمونه، ابن غضائری درباره یکی از راویان مشهور تأکید کرده است که وی اسناد و متون را مطابق سلیقه خود با هم ترکیب می‌نمود.^{۸۸}

هم‌چنین در برخی موارد، محدثان برای تأیید وثاقت افراد، از قواعدی با مفاهیم اعتمادآفرین استفاده کرده‌اند که این اقدام از هیچ پشتوانه علمی و منطقی برخوردار نیست. برای نمونه، در دوره‌ای علمای شیعه در صورتی روایات را می‌پذیرفتند که متواتر باشد اما این مفهوم بعدها توسط برخی از علما از مفهوم اصلی خود تنزل داده شد و گاه روایتی که از سوی دو یا سه نفر نقل شده بود، متواتر خوانده شد.^{۸۹} در برخی موارد نیز به این موضوع توجه نمی‌شد که ممکن است خبر به صورت سازمانی جعل شده باشد و در دوره بعدی با استناد به همان راویان، متواتر خوانده شود و به عنوان یک گزاره تاریخی، مورد قبول قرار گیرد. این در حالی است که تواتر در صورتی ایجاد می‌شود که خبر در همه طبقات از فراوانی ناقلان برخوردار باشد.^{۹۰} از جمله موارد اعتماد به قواعد ثقه‌ساز، در نگارش شیخ مفید دیده می‌شود. وی به‌رغم مخالفت‌های سنگینی که با اخباریان دارد، به این نوع از اخبار استناد کرده و با عناوینی چون «مشهور»، «مورد اجماع» و «مورد توافق مخالف و موافق» راه و رسم محدثان را پیش گرفته است.^{۹۱} شایان ذکر است که برخی علمای متأخر امامیه نیز نقش قابل توجهی در شکل‌گیری رویکرد شخصیت محوری داشته‌اند. برای نمونه، شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ هـ.ق) و سید محسن امین (م ۱۳۷۲ هـ.ق) به بازسازی

شخصیت حسین بن حمدان خصیبی (م ۳۵۸هـ.ق) پرداخته‌اند^{۹۲} در حالی که نجاشی وی را *فاسد‌المذهب خوانده است*.^{۹۳}

ب. ۲) ویژگی‌های محتوایی

یکی از پرسش‌های مهم درباره منابع تاریخی آن است که داده‌های تحقیق که باید در یک نظام منطقی و روشمند به سامان برسد، تا چه اندازه قابل اعتماد هستند؟^{۹۴} امروزه روش‌های گوناگونی برای نقد تاریخی وجود دارد برای نمونه، تاریخ‌نگار با تکیه بر حس خود تصمیمی منطقی می‌گیرد یا از شگردهای راستی‌آزمایی، هم‌خوانی جزئیات و عدم تناقض و یا رجوع به مدارک مؤید استفاده می‌کند.^{۹۵} با ارزیابی محتوای گزاره‌های تاریخ‌نگاری روایی، ویژگی‌هایی به دست می‌آید که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. توجه بیشتر به جامعه درون امامی

همان‌طور که گذشت، نگارش کتب حدیثی را می‌توان نمایی از پاسخ‌گویی به نیازمندی‌های شیعیان در دوره‌های مختلف دانست. به نظر می‌رسد تمرکز عالمان شیعه بر این مسأله سبب شده تا از برخی اشکالات محتوایی چشم‌پوشی شود. برای نمونه، در کتاب *بصائر الدرجات*، ابوابی با عنوان جایگاه امامان علیهم‌السلام در نظام تکوین و ارتباط آنان با عالم ماورا دیده می‌شود.^{۹۶} پیش از بررسی محتوای این گونه اخبار، ذکر این مقدمه ضروری است که شیخ مفید (م ۴۱۳هـ.ق) امکان اعجاز از سوی ائمه علیهم‌السلام و اثبات برخی از موارد را تأیید نموده، اما پذیرفتن انبوه روایات در این حوزه را هم درست نمی‌داند.^{۹۷} باید گفت که بررسی اجمالی منابع زندگانی معصومین علیهم‌السلام نشان می‌دهد که نقل معجزات مربوط به نظام تکوین و عالم ماورا، در کتب مفاخر شیعه چون شیخ کلینی، شیخ صدوق و شیخ مفید بسیار کم تعداد است و بیشتر آن‌ها در کتبی چون *عیون المعجزات*، *دلائل الائمه*، *الهدایه الکبری* و *اثبات الوصیه* نقل شده است. از طرفی جایگاه حقیقی ائمه علیهم‌السلام، با بررسی ابعاد علمی و عملی آنان بر هر فرهیخته‌ای نمایان می‌شود و نیازی به ذکر معجزات انبوهی نیست که تنها برای عوام جامعه جذابیت دارد و با حفظ ناموس قوانین الهی

مغایرت دارد. از سوی دیگر در بسیاری موارد به دلیل نزدیکی ساختار برخی از معجزات به سحر و شعبده و عدم ادراک تفاوت معجزات با این نوع اقدامات برای عوام، نوعی نقض غرض حاصل می‌شود؛ و یا به دلیل ارائه چهره‌ای ماورایی از ائمه علیهم‌السلام به مسأله مهم *الگو بودن امامان برای امت* خدشه وارد می‌شود. ضمن آن که در بسیاری موارد، اسناد این روایات شامل راویان غیر موثق است و یا سلسله سند روایت به معصوم علیهم‌السلام نمی‌رسد. در مواردی نیز محتوای آن با مسلمات تاریخی تناقض دارد و همواره دست‌مایه‌ای برای بهره‌گیری دشمنان شیعه بوده است.^{۹۸}

اوج تمرکز بر مصرف داخلی که نمونه‌ای از نگاه عوامانه نهادینه شده در شیعیان قرن پنجم است، در برخی اخبار حسین بن عبدالوهاب مشاهده می‌شود.^{۹۹} برای نمونه، وی نقل می‌کند جوانی نزد امام علی علیه‌السلام آمده، از قول معاویه شرط پذیرش امامت ایشان را آوردن معجزه‌ای از سوی امام علیه‌السلام اعلام می‌کند. در این هنگام ابری در بالای سر آن حضرت می‌آید و حضرت به همراه عمار یاسر سوار بر ابر، به سیر و سیاحت می‌پردازند.^{۱۰۰} این فقره نشان‌گر تصور غلط و عوامانه جاعل، مبنی بر امکان سوار شدن بر ابر و استفاده از آن به عنوان مرکب است. در برخی موارد دیده می‌شود که تاریخ‌نگاران روایی با جمع‌آوری منقولات موجود درباره معجزات و مطالب شگفت‌انگیز درباره ائمه علیهم‌السلام، به دنبال آن بوده‌اند تا با مطالب مشابه در فرق دیگر هم‌آوردی کنند. برای نمونه، خصیبه گاه برای بیان فضایل ائمه علیهم‌السلام، بسیاری از مبانی *غلات*^{۱۰۱} را در اخبارش پذیرفته است.^{۱۰۲} از نمونه‌های نیازمندی جامعه شیعی که نشانه رسوبات اندیشه ضد عثمانی شیعیان در قرون اولیه اسلامی است، گزارش *دلائل الامامه* مبنی بر متهم شدن یک مارمولک به طرفداری از عثمانی‌ها از سوی امام صادق علیه‌السلام است.^{۱۰۳}

۲. سبک داستان‌سرایی

روایت داستانی از یک حادثه با روایت تاریخی و واقعی از همان رخداد تفاوت دارد. این تفاوت به دلیل افزوده‌ها و کاستی‌هایی است که در روایات تاریخی پدید آمده و صورتی

داستانی و *رمانتیک*^{۱۰۴} به آن داده است.^{۱۰۵} یکی از ویژگی‌های عمده تاریخ‌نگاری روایی آن است که در بسیاری موارد، یک خبر با جزئیات و دقت‌نظرهای متعدد آورده شده است که نشان از ساختار غیرتاریخی آن‌ها دارد.^{۱۰۶} برای نمونه، خصیبه در داستانی طولانی به ماجرای *سُق القمر* پرداخته و جزئیات این حادثه را گزارش کرده است. وی اذعان نموده که ۶۱۲ نفر از بینندگان این حادثه ایمان آوردند^{۱۰۷} در حالی که هیچ یک از منابع تاریخی و یا غیرتاریخی، ایمان آوردن این تعداد از مردم در شهر مکه را گزارش نکرده‌اند. در روایتی دیگر، شیخ صدوق به نقل گزارشی طولانی از قول *سفیان بن نزار* می‌پردازد.^{۱۰۸} در این خبر تلاش شده تا *مأمون عباسی* فردی شیعه معرفی شود و افرادی که از مطربان معروف آن زمان بودند،^{۱۰۹} تطهیر گردند. یا در داستانی طولانی درباره حضرت نوح علیه السلام، در تهمتی بی‌شرمانه، آن حضرت را شرابخوار و... می‌خوانند.^{۱۱۰} سبک داستان‌سرایی در کتاب *دلائل الامامه* به اوج خود رسیده است و می‌توان موارد متعددی را از این کتاب یاد کرد.^{۱۱۱} در همین راستا باید تذکر داد که گاهی محدثان، اخبار کسانی را پذیرفته‌اند که مشهور به قصه‌پردازی هستند؛ برای نمونه می‌توان از *محمد بن عبدالله بن محمد بن عبیدالله شیبانی* (م ۳۸۷هـ.ق) نام برد.^{۱۱۲}

۳. تاکید بر کمیت

یکی از ویژگی‌های شایع در محتوای تاریخ‌نگاری روایی، تأکید بر کمیت است. این موضوع در دو گونه کمیت در تعداد روایات^{۱۱۳} و کمیت در محتوا قابل پی‌گیری است، اما بخش دوم اهمیت بیشتری دارد که در موارد متعددی از اخبار مربوط به فضائل و معجزات ائمه علیهم السلام مشاهده می‌شود. برای نمونه، مطابق گزارشی از شیخ مفید، امام سجاد علیه السلام در شبانه روز چهار هزار رکعت نماز اقامه می‌کرد.^{۱۱۴} در این خبر که دچار ضعف سندی است، به این نکته توجه نشده است که در صورت صحت این گزارش، فرصتی برای دیگر فعالیت‌های امام علیه السلام باقی نمی‌ماند و یا این که چرا خبری با این اهمیت از سوی یاران دیگر آن حضرت نقل نشده است. در گزارشی دیگر، خصیبه برای بیان فضیلت زمین

کربلا، آن را محل تولد حضرت عیسی علیه السلام، غسل حضرت موسی علیه السلام، تکلم حضرت موسی علیه السلام با خداوند به وسیله یک درخت و... دانسته است.^{۱۱۵} شاهد دیگر گزارشی است که طبق آن، شیعیان نزد امام جواد علیه السلام حضور یافتند و در یک مجلس سی هزار سوال از ایشان پرسیدند و پاسخ آن را دریافت کردند.^{۱۱۶} این در حالی است که اگر طرح هر پرسش و پاسخ به آن، یک دقیقه زمان برده باشد این جلسه بیش از ۲۰ روز به طور مداوم ادامه داشته است. در روایتی دیگر، نویسنده *اثبات الوصیه* برای نخستین بار از کشته شدن ۱۸۰۰ نفر از کوفیان به دست امام حسین علیه السلام در کربلا خبر می‌دهد.^{۱۱۷} رواج چنین روایاتی نشان می‌دهد که این طیف از تاریخ‌نگاران روایی در برخی موارد موفق شده‌اند و پس از ایجاد ظرفیت لازم، به ترویج این اخبار سست پرداخته‌اند.

۴. بی‌توجهی به مفهوم‌شناسی

بی‌توجهی به واژگان و مفاهیم آن‌ها در روایات از دیگر ویژگی‌های محتوای گزاره‌های تاریخی محدثان است. برای نمونه می‌توان به خبری اشاره کرد که طبق آن امام علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معنی واژه *بتول* را، که لقب مشترک حضرت مریم علیها السلام و حضرت فاطمه علیها السلام است، می‌پرسد. آن حضرت در پاسخ، *بتول* را زنی می‌خواند که هیچ‌گاه خون حیض نبیند.^{۱۱۸} این در حالی است که واژه *بتول* ریشه قرآنی دارد^{۱۱۹} و از *بتل* به معنی قطع شدن گرفته شده است.^{۱۲۰} این واژه در معارف اسلامی به معنی انقطاع به سوی خداوند و چشم‌پوشی از دنیا تفسیر شده است.^{۱۲۱} لازم به ذکر است که این روایت که در برخی منابع دیگر به صورت مشابه ذکر شده، سندی مخدوش دارد.^{۱۲۲} در روایتی دیگر امام باقر علیه السلام در پاسخ به چرایی خوانده شدن امام علی علیه السلام به *امیرالمؤمنین* فرمودند که ایشان خوار و بار علمند که مردم علم را تنها از او فرا می‌گیرند.^{۱۲۳} بررسی واژه نشان می‌دهد جاعل به ریشه اصلی واژه *امیر* توجه نداشته^{۱۲۴} و آن را از ریشه *میره* به معنی خوار و بار^{۱۲۵} برداشت کرده است. در روایتی دیگر خصیبه بدون توجه به روایات موجود درباره عبادات امام سجاد علیه السلام^{۱۲۶} در روایتی دلیل ملقب شدن ایشان به *سیدالعبادین* را چنین نقل می‌کند که

ابلیس خود را همانند اژدهایی با سر و دندانی وحشتناک درآورد و در مکان عبادت آن امام حاضر شد اما امام علیه السلام هیچ توجهی به وی نکرد و همین سبب شد که ابلیس، امام علیه السلام را سیدالعابدین بخواند.^{۱۳۷}

۵. اثرگذاری ذهنیت راوی و مطابقت با ادبیات روز

از دیگر ویژگی‌های مهم محتوای گزاره‌های تاریخی این آثار آن است که در برخی موارد، اخبار با ذهنیت راوی یا ادبیات رایج یک عصر هماهنگ است. چنانچه در روایتی فتح قسطنطنیه به عنوان یکی از علائم ظهور امام زمان علیه السلام خوانده شده است.^{۱۳۸} در مقابل، بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که در دوره‌ای، موضوع فتح قسطنطنیه از مهم‌ترین آرزوها و مشغولیت‌های ذهنی مسلمانان در عرصه نظامی بوده است.^{۱۳۹} طبق روایتی دیگر نام اصحاب امام دوازدهم علیه السلام از زمان امام علی علیه السلام به صورت مکتوب وجود داشته است.^{۱۴۰} محتوای این خبر حاکی از آن است که راوی از مجموع ۳۱۳ نفر یاری که برای امام در نظر گرفته، نام ۸۷ نفر را از ناحیه خراسان^{۱۴۱} ذکر کرده که خود نیز از اهل آن دیار بوده است. از طرف دیگر بررسی اجمالی این اسامی نشان می‌دهد که این اسامی، نام‌های رایج محلی است که امروزه کمتر یافت می‌شود.^{۱۴۲} نکته دیگر آن که راوی نتوانسته است تعداد این اسامی را به همان عدد ۳۱۳ که ادعا نموده برساند.^{۱۴۳} در خبری دیگر درباره *رایات سود*^{۱۴۴} مطالبی بیان شده است که بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد این گونه روایات از سوی عباسیان جعل شده است تا بتوانند با استفاده از آن برای قیام خویش زمینه‌سازی کرده، مردم را به *بومسلم خراسانی* جذب کنند.^{۱۴۵} با این حال شیخ مفید پدیدار شدن *رایات سود* را یکی از علامت‌های ظهور یاد کرده است.^{۱۴۶}

۶. نقد تاریخ با حدیث

همان‌طور که گذشت، محدثان اجازه نقد حدیث با اطلاعات تاریخی را نداده و به این مسأله توجه نداشته‌اند اما در مقابل، گاه به وسیله یک روایت در پی طرح تصویر تاریخی آن هستند. برای نمونه، حدیثی با این مضمون که امام را جز امام غسل نمی‌دهد،^{۱۴۷} سبب

شده تا برخی اخبار تاریخی متناسب با آن ساخته شود. بررسی محتوای این خبر نشان می‌دهد که این حدیث، ساخته و پرداخته واقفیان است. آنان با بیان این حدیث می‌خواستند امامت امام رضا علیه السلام را زیر سؤال ببرند زیرا آن حضرت در هنگام شهادت پدرشان در شهر دیگری بود و در مراسم تجهیز امام کاظم علیه السلام شرکت نداشت.^{۱۳۸} با وجود این مشکل اساسی، روایت مورد قبول شیعیان قرار گرفته و شیخ کلینی نیز آن را نقل کرده است. پذیرش این حدیث سبب شد تا تاریخ مورد نقد و تفسیر قرار گیرد و برای اثبات این حدیث ساختگی، اخباری دیگر ساخته شود.^{۱۳۹} در نمونه‌ای دیگر شیخ صدوق به دلیل وجود روایتی مبنی بر به شهادت رسیدن همه معصومین علیهم السلام^{۱۴۰} تلاش کرده است تا از جهت تاریخی این موضوع را ثابت کند. این در حالی است که - همان‌گونه که شیخ مفید اشاره می‌کند - شواهد تاریخی این موضوع را نمی‌رساند.^{۱۴۱}

ج. پی‌آمدهای نگارش حدیثی تاریخ

تاریخ‌نگاری روایی به‌رغم آن‌چه گذشت، زوایای بسیار مهمی از زندگانی معصومین علیهم السلام را برای شیعیان روشن می‌کند و علاوه بر این از ویژگی‌های مثبتی نیز برخوردار است مثل: تأکید بر ذکر اسناد، تلاش برای رساندن سلسله سند به معصوم علیه السلام و توجه به امانت‌داری و انصاف در نقل حوادث.^{۱۴۲} با این حال پی‌آمدهای نگارش حدیثی تاریخ نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از این تاریخ‌نگاری، گزارش‌هایی است که با وجود جهت‌گیری به سوی مصلحتی حقیقی، به مفاسد مهمی که در مسیر آن به وجود می‌آمد، بی‌اعتنا بوده است. از این‌رو امروزه محققان تاریخ با گزاره‌های متناقض فراوانی در این کتب روبه‌رو هستند. برای نمونه، در اخباری مدت حکومت امام زمان علیه السلام، هفت، نه، بیست، چهل و یا بیش از سیصد سال نقل شده است.^{۱۴۳} یا مطابق روایتی دیگر، طَلَّقَا از بیعت‌کنندگان با ابوبکر در سقیفه شمرده شده‌اند در حالی که آنان نقشی در این ماجرا نداشتند. در گزارشی دیگر، درباره زمان پیدا شدن قبر امام علی علیه السلام آمده است که شیعیان در زمان امام صادق علیه السلام (۱۴۸هـ) این قبر را زیارت کردند^{۱۴۴} و در گزارشی دیگر تأکید

شده که تا دوره هارون الرشید (حک ۱۷۰-۱۹۳ ه.ق) هیچ خبری از مکان قبر آن حضرت نبوده است.^{۱۴۵} حتی گاه مسلمات باورهای شیعه نیز تحت تأثیر این نگاه حدیثی قرار گرفته است چنان‌چه شیخ کلینی در روایاتی، ائمه علیهم‌السلام را سیزده نفر شمرده^{۱۴۶} یا روایاتی را در تحریف قرآن ذکر کرده است.^{۱۴۷} شکل‌گیری فضای فراتاریخی از دیگر پی‌آمدهای مهم تاریخ‌نگاری روایی است. غلات بر عقایدی مانند الوهیت/امام، تشبیه، تناسخ، علم غیب مطلق امامان و توانایی آنان در تقسیم روزی‌ها و تعیین اجل بندگان تأکید می‌کردند تا سبب نفی جنبه بشری ائمه علیهم‌السلام شوند.^{۱۴۸} این در حالی است که ائمه علیهم‌السلام باورهای آنان را انکار کرده، بارها بر جنبه‌های بشری خود تأکید نموده‌اند.

نتیجه

بررسی فضای شکل‌گیری روایات در دوره غیبت صغری و آغاز غیبت کبری، به عنوان یک مقطع پرکار برای محدثان امامیه، حاکی از آن است که چند دسته شدن شیعیان، هجمه شدید کلامی گروه‌های مخالف امامیه و رواج پرسش‌ها و شبهات فراوان در اذهان شیعیان درباره چگونگی ارتباط با امام علیه‌السلام و حل مشکلات دینی، سبب شد تا محدثان امامیه در اقدامی هوشمندانه و هدفمند به گزینش روایات معصومان علیهم‌السلام، برای حل معضلات یاد شده بپردازند؛ که این مسأله پی‌آمدهایی را به دنبال داشت. درباره رویکرد محدثان به گزاره‌های تاریخی باید گفت که آنان همه چیز را در قالب حدیث گنجانده و توجهی به عناصر تاریخ، شیوه تاریخ‌نگاری، لزوم نقد و تحلیل تاریخی گزاره‌ها و میزان امکان وقوع خبر نداشته‌اند. هم‌چنین بررسی اسناد این گزاره‌ها نشان از عدم قصد مؤلفان کتب حدیثی بر جعل اخبار دارد. با این حال، تسامح در شناخت راویان و طریق سند، بی‌توجهی به گرایش‌های فرقه‌ای راویان، برخورد دوگانه با راویان اهل سنت، شخصیت‌محوری و تکیه بر قواعد ثقه‌ساز، سبب نفوذ روایات نادرست به این نوع تاریخ‌نگاری شده است. بررسی محتوایی گزاره‌های تاریخی این کتب نیز حاکی از تمرکز محدثان بر مصرف داخلی، استفاده از سبک داستان‌سرایی، تأکید بر کمیت، بی‌توجهی به

تطور تاریخی مفاهیم و اثرگذاری ذهنیت راویان است. فعالیت محدثان به گونه‌ای بود که اجازه نقد تاریخ با حدیث داده می‌شد اما کمتر حدیث به وسیله تاریخ مورد نقد قرار می‌گرفت. مجموع ویژگی‌های یاد شده برای تبیین ماهیت تاریخ‌نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم، نشان از ارتباط این نوع تاریخ‌نگاری با گزاره‌های غیرمنطقی و فراتاریخی دارد که مؤیدی بر لزوم ارزیابی هر یک از گزاره‌های تاریخی کتب حدیثی است. بنابراین مهم‌ترین فایده تحقیق در این زمینه، پیرایه‌زدایی خواهد بود. علاوه بر آن که می‌توان محصول ناب تاریخ‌نگاری محدثان را به عنوان نمونه فعالیت روشمند به جامعه علمی عرضه نمود. لازم به ذکر است که ویژگی‌های یاد شده، در کتب شیخ کلینی، شیخ صدوق و شیخ مفید بسیار کمتر مشاهده می‌شود تا کتاب‌هایی چون *دلائل الامامه* و *عیون المعجزات*.

پی‌نوشت

۱. مجیدی‌نسب، نرگس، «تاریخ‌نگاری شیعه در کتاب رجال نجاشی»، نامه تاریخ پژوهان، ۱۳۹۳، ش ۱۶، ص ۱۳۵-۱۷۰.
۲. برای اطلاع تفصیلی از مورخان و آثار آن‌ها تا قرن سوم، ر.ک: مدرسی، سیدحسین، میراث مکتوب شیعه، ترجمه سیدعلی قرایی و رسول جعفریان، قم: چاپ اعتماد، ۱۳۸۶، ص ۳۸-۱۷۵؛ هم‌چنین از قرن سوم تا نیمه قرن پنجم، ر.ک: بخشی، منصوره، سیر تاریخ‌نگاری امامیه از قرن سوم تا هفتم، دفاع شده در جامعه الزهراء قم، ۱۳۹۱، ص ۴۵-۲۲۰.
۳. درباره مولف اثر منتسب به وی یعنی کتاب اثبات الوصیه، ر.ک: شبیری، «اثبات الوصیه و مسعودی صاحب مروج الذهب»، انتظار، ۱۳۸۱، ش ۴، ص ۴۴.
۴. درباره مولف اثر منتسب به وی یعنی کتاب دلائل الامامه، ر.ک: صفری‌فروشانی، نعمت‌الله، «محمد بن جریر طبری آملی و دلائل الامامه»، علوم حدیث، ۱۳۸۴، ش ۳۷-۳۸، ص ۲۲۴.
۵. امامی‌فر، علی، تاریخ‌نگاری شیعه، قم: یارسایان، ۱۳۸۳.
۶. شفیعی، سعید، مکتب حدیثی شیعه در کوفه تا پایان قرن سوم، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۹.
۷. عتر، نورالدین، منهج النقد فی علوم الحدیث، دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
۸. درباره مقالات و کتب اهل سنت درباره نقد حدیث، ر.ک: عصارزاده، غلامحسین، «ماخذشناسی نقد محتوایی حدیث»، مجله علوم حدیث، ۱۳۸۲، ش ۱۵، ص ۱۴۴.
۹. مسعودی، عبدالهادی، وضع و نقد حدیث، انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
۱۰. معماری، داوود، مبانی و روش‌های نقد متن حدیث از دیدگاه اندیشوران شیعه، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵.
۱۱. بستان، قاسم، معیارهای شناخت احادیث ساختگی، اهواز: چاپ رسش، ۱۳۸۶.
۱۲. فتاحی‌زاده، فتحیه، مبانی و روش‌های نقد حدیث در کتب اربعه، قم: دانشگاه قم، ۱۳۸۵.

۱۳. حسنی، هاشم معروف، *دراسات فی الحدیث و المحدثین*، بیروت: دارالتعارف، ۱۹۸۴م.
۱۴. پاکتنچی، احمد، گفتارهایی در نقد متن، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۵.
۱۵. حسین زاده شانه‌چی، حسن، «نقد تاریخی در آثار تاریخ‌نگاران مسلمان»، تاریخ اسلام در آئینه پژوهش، ۱۳۸۸، ش ۸.
۱۶. اعرابی، غلامحسین و جواد محمدی، «جایگاه و نقش عقل در نقد حدیث»، ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۰، ش ۲۲-۲۳.
۱۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، «دروغ‌پردازان در حوزه حدیث شیعه»، علوم حدیث، ۱۳۷۶، ش ۳، ص ۱۵۵-۱۷۸.
۱۸. معارف، مجید، «رابطه تاریخ و فهم و نقد حدیث»، علوم قرآن و حدیث، ۱۳۸۵، ش ۱۴.
۱۹. روی آورد به مثابه راهی برای نزدیک شدن به مسأله و رهیافتی برای شکار نظریه است؛ رک: قراملکی، احد، روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد: دانشگاه رضوی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۷.
۲۰. از جمله این تحقیقات، می‌توان به این مقالات اشاره کرد: صفری‌فروشان، نعمت‌الله، «بررسی دو اثر تاریخ‌نگاری شیخ صدوق»، نامه تاریخ پژوهان، ۱۳۸۶، ش ۱۰؛ همو، «شیخ مفید و تاریخ‌نگاری او در کتاب الارشاد»، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴، ش ۱۸؛ همو، «ارشاد و تاریخ‌نگاری ائمه»، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۷، ش ۲۲؛ همو، «حسین بن عبدالوهاب و عیون المعجزات»، علوم حدیث، ۱۳۸۵، ش ۴۲؛ همو، «خصیبه و الهدایه الکبری»، طلوع، ۱۳۸۴، ش ۱۶ و همو، «محمد بن جریر طبری آملی و دلائل الامامه»، پیشین.
۲۱. زرین‌کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹.
۲۲. دلاور، علی، مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: رشد، ۱۳۸۷، ص ۲۴۱.

۲۳. برای اطلاع تفصیلی درباره نقد بیرونی، ر.ک: ملایی توانی، علیرضا، درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۱؛ حضرتی، حسن، روش پژوهش در تاریخ‌شناسی، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱، ص ۵۱-۵۸.
۲۴. زرین‌کوب، پیشین، ص ۱۴۰.
۲۵. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۹۶-۱۱۲.
۲۶. برای نمونه درباره موضوعات ردیه‌نویسی بر ضد شیعیان و پاسخ‌گویی علمای شیعه، ر.ک: شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه المدرسین، ۱۳۶۳، مقدمه کتاب.
۲۷. نیومن، آندر جی، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی، ترجمه موسسه شیعه‌شناسی، قم: ۱۳۸۶، ص ۱۰۹.
۲۸. درباره فعالیت محدثان در این دوره، ر.ک: معارف، مجید، «درآمدی بر تاریخ حدیث شیعه»، دانشگاه انقلاب، ۱۳۷۶، ش ۱۱۰، ص ۶۷-۸۲.
۲۹. درباره رسوخ اندیشه‌های غالبانه در برخی کتب حدیثی، ر.ک: رفیعی، ناصر، دروس فی وضع الحدیث، قم: جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۸، ص ۶۸-۷۴.
۳۰. برای نمونه شیخ صدوق در بین ده‌ها کتاب خود تنها در کتاب من لا یحضره الفقیه بر تلاش خود برای ارائه روایات صحیح تلاش می‌کند؛ ر.ک: شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه المدرسین، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲.
۳۱. برای اطلاع تفصیلی از شخصیت عبدالعزیز بن یحیی جلودی، آثار وی و دلایل مطرح شده در عدم دست‌رسی به روایاتش، ر.ک: داداش‌نژاد، منصور، «تاریخ‌نگاری شیعیان در سده‌های نخستین»، نامه تاریخ پژوهان، ۱۳۸۶، سال سوم، ش ۱۰، ص ۶۶-۷۷.
۳۲. چنان‌چه شواهدی درباره محدثان قم نشان از حرص شدید آنان بر ممانعت از نابودی میراث حدیثی اهل بیت علیهم‌السلام دارد؛ که این مهم نیز موجب پذیرش احادیثی می‌شد که دچار ضعیف سند

- بودند؛ ر.ک: جباری، محمدرضا، مکتب حدیثی قم، قم: آستان مقدس حضرت معصومه (س)، ۱۳۸۴، ص ۳۶۹.
۳۳. برای اطلاع تفصیلی دراین باره، ر.ک: رفیعی، پیشین، ص ۳۳-۳۸.
۳۴. جباری، پیشین، ص ۳۷۴.
۳۵. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، قم: مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۷-۱۹.
۳۶. درباره استفاده آنان از مباحث عقلی، ر.ک: جباری، پیشین، ص ۱۸۵.
۳۷. تستری، اسدالله، کشف القناع عن وجوه حجیه الاجماع، موسسه آل البيت لاحیاء التراث العربی، بی تا، ص ۲۱۴.
۳۸. رجایی، عبدالله، «جایگاه ابومخنف ازدی در تاریخ نگاری اسلامی»، مقالات و بررسی ها، ۱۳۷۸، ش ۶۵، ص ۱۵۷.
۳۹. یوسفی غروی، محمدهادی، وقعه الطف، قم: مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۳۸۵، ص ۱۵۲.
۴۰. همان، ص ۱۴۳-۱۴۵.
۴۱. وی هر داده تاریخی را که به ظاهر در راستای منافع شیعه و تقویت آن است، پذیرفته و پایه استدلال خود قرار می دهد: خانجانی، قاسم، شیخ مفید و تاریخ نگاری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲، ص ۵۷-۵۹.
۴۲. تاریخ فرآیند سیوررت آدمی است و مورخ می کوشد تا در یک سیر منطقی شواهد را ارائه دهد: حضرتی، حسن، تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۲، ص ۱۴.
۴۳. زرین کوب، پیشین، ص ۱۳۸.
۴۴. پاکتچی، احمد، گفتارهایی در نقد متن، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۵، ص ۳۱.

۴۵. چنان‌چه نمونه توجه به بستر تاریخی را می‌توان در تاریخ‌نگاری مسعودی مشاهده کرد؛ ر.ک: مسعودی، علی بن حسین، *التنبیه و الاشراف*، تهران: ۱۳۴۹، ص ۵۰؛ همو، *مروج الذهب*، ج ۱، ص ۱۰-۱۲.
۴۶. همان، ۱۴۵-۱۸۴ و ج ۲، ص ۲۹۳، ۳۶۷، ۴۱۳.
۴۷. همان، ج ۱، ص ۱۴۴، ۲۰۸ و ج ۲، ص ۹۱، ۹۲، ۲۰۹؛ مسعودی، *التنبیه و الاشراف*، ص ۱۲۹-۱۳۰.
۴۸. آیین‌وند، صادق، *علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی*، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۸۰.
۴۹. چنان‌چه شهیدی اذعان کرده است که علمای پیشین هنگام بررسی اخبار بیشتر به نقل روایت و کمتر به نقد و تحلیل آن پرداخته‌اند؛ ر.ک: زینی‌وند، تورج، «درآمدی بر روش‌شناسی آثار تاریخی دکتر سید جعفر شهیدی»، *تاریخ اسلام*، ۱۳۹۱، ش ۵۰، ص ۴۳.
۵۰. شیخ مفید، محمد بن محمد، *الارشاد*، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق، ص ۴۳۷.
۵۱. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۱۳.
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۳۹.
۵۳. همان، ج ۱، ص ۲۹۶.
۵۴. حسینی، علی اکبر، «سیری کوتاه در منابع اسلام»، *مکتب اسلام*، ۱۳۷۶، ش ۳، ص ۵۴.
۵۵. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۳۷۵.
۵۶. شیخ صدوق، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا*، تصحیح شیخ حسین اعلمی، بیروت: موسسه الاعلمی، ۱۹۸۴م، ج ۲، ص ۲۸۱.
۵۷. شیخ مفید، *الارشاد*، ص ۲۹۷.

۵۸. برای نمونه درباره جراحتهای وارد آمده بر آن حضرت در جنگ احد، رک: طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۷۶.
۵۹. ملایی توانی، پیشین، ص ۱۴۴.
۶۰. شیخ مفید، الارشاد، ص ۶۷۶.
۶۱. همان، ص ۳۲۸.
۶۲. کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۳۴۳.
۶۳. خصیبی، الهدایه الکبری، موسسه بلاغ، ۱۳۶۵، ص ۸۶.
۶۴. نجاشی، رجال نجاشی، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۰۳.
۶۵. برای نمونه، رک: خصیبی، پیشین، ص ۶۵، ۷۳، ۲۴۲.
۶۶. برای نمونه درباره راویان مجهول در اسناد شیخ صدوق، رک: صفری فروشانی، «بررسی دو اثر تاریخ‌نگاری شیخ صدوق»، ص ۱۷۱-۱۷۴.
۶۷. برای نمونه: صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تهران: ۱۴۰۴ق، ص ۸۵؛ کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۳۱۱-۳۲۱، ۴۸۶؛ ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق جواد قیومی، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۹، ۷۱، ۱۰۳، ۱۱۳؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۳۱.
۶۸. برای نمونه، صفار از کسانی روایت کرده است که متهم به وقف و غلو هستند؛ هم‌چون ابراهیم بن اسحاق (آیت‌الله خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، بی‌جا، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۰۲)، احمد بن محمد سیاری (همان، ص ۲۸۳)، احمد بن حسین بن سعید (همان، ج ۲، ص ۹۳)، سهل بن زیاد (همان، ج ۸، ص ۳۳۸) و عبدالله بن قاسم (همان، ج ۵، ص ۲۸۲)؛ یا شیخ کلینی از احمد بن هلال، داوود بن کثیر رقی، صالح بن حسن، عبدالرحمن بن کثیر، عبدالله بن قاسم، قاسم بن ربیع، محمد بن اسلم، محمد بن جمهور، محمد بن حسن بن شَمون، محمد بن عیسی بن عبید، محمد بن فضیل، محمد بن موسی همدانی، موسی بن سعدان نقل روایت می‌کند. (درباره وضعیت آنان، رک: همان،

ذیل اسامی یاد شده؛ یا مسعودی در اثبات الوصیه از افرادی چون محمد بن سنان، داوود بن کثیر رقی، یونس بن ظبیان، مفضل بن عمر، احمد بن محمد سیاری و یوسف بن سحت نقل روایت کرده است (درباره وضعیت آنان، رک: همان، ذیل اسامی یاد شده)؛ یا شیخ صدوق در کتاب *کمال الدین و تمام النعمه* به ذکر اخبار تاریخی از قول افراد منحرفی همچون احمد بن هلال (شیخ صدوق، *کمال الدین و تمام النعمه*، ص ۲۰۴، ۲۵۲، ۳۲۲، ۳۳۴، ۳۴۱)، عامر بن واثله کیسانی (همان، ص ۲۰۶، ۲۹۴-۲۹۵، ۲۹۹)، اسحاق بن عمار ساباطی (همان، ص ۲۲۱)، حسن بن علی بن فضال (همان، ص ۲۰۲-۲۰۳، ۲۱۲)، حمید بن زیاد واقفی (همان، ص ۱۳۳)، جعفر بن محمد بن مالک فزاری (همان، ص ۲۵۳، ۳۱۱، ۳۴۶، ۳۴، ۳۷۰، ۴۴۰) و ابوالجارود زیدی (همان، ص ۲۱۳، ۳۱۱) می‌پردازد.

۶۹. طبری، محمد بن جریر (منسوب)، *دلائل الامامه*، قم: نشر بعثت، بی‌تا، ص ۱۰۵.
۷۰. همان، ص ۴۵۵.
۷۱. شیخ مفید، *الارشاد*، ص ۷۰۶.
۷۲. طبری، *دلائل الامامه*، ص ۶۷، ۷۳، ۷۵، ۱۲۵، ۲۴۱، ۴۵۵.
۷۳. همان، ص ۴۳۳.
۷۴. همان، ص ۲۶۳.
۷۵. همان، ص ۴۷۹.
۷۶. حسنی، هاشم معروف، *الموضوعات فی الآثار و الاخبار*، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۷ق، ص ۱۹۲-۲۰۱.
۷۷. اردبیلی، محمدعلی، *جامع الرواه*، قم: مکتبه المحمدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۰-۱۶۱؛ حسینی عاملی، سید محسن امین، *اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ج ۴، ص ۱۸۰؛ آیت‌الله خویی، پیشین، ج ۴، ص ۱۱۷.
۷۸. نجاشی، پیشین، ص ۱۲۲.

۷۹. عبارت غضائری درباره وی: کَذَابٌ مَّتْرُوكٌ الْحَدِيثُ وَ فِي مَذْهَبِهِ اِرْتِفَاعٌ وَ يَرُوى عَنِ الضُّعْفَاءِ وَ الْمَجَاهِيلِ وَ كُلُّ غُيُوبِ الضُّعْفَاءِ مُجْتَمَعَةٌ فِيهِ؛ ابن غضائری، احمد بن حسين، رجال، تحقيق محمدرضا جلالی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲ق، ص ۴۸.

۸۰. برای نمونه: شیخ صدوق، محمد بن علی، الامالی، قم: موسسه بعثت، ۱۴۱۷ق، ص ۳۰۶، ۴۴۶، ۵۲۶، ۵۶۰، ۶۶۰، ۷۰۲؛ همو، کمال الدین و تمام النعمه: ص ۳۰۲، ۳۱۱، ۳۴۶، ۳۵۸، ۴۰۸. ۸۱ همان، ص ۲۵۶-۲۸۲.

۸۲ چنانچه شیخ صدوق بر این امر تصریح نموده است (همان، ص ۶۳۹).

۸۳ صفار، پیشین، ص ۳۸۳-۳۸۴.

۸۴ برای نمونه مطابق آمار به دست آمده، احمد بن حنبل ۶۸ روایت تاریخی و ۴۵ روایت فضائلی مربوط به امام علی علیه السلام را ذکر کرده است؛ که نشان می‌دهد پس از موضوعات فقهی نقل شده توسط امام علی علیه السلام در این کتاب، گزاره‌های تاریخی بیشترین سهم را دارند (امینی، نوروز، «روایات اهل بیت در منابع اهل سنت»، علوم حدیث، ۱۳۸۷، ش ۴۷، ص ۱۵۵). بالا بودن تعداد روایات تاریخی پس از فقه با بررسی آمار موضوعی همه منابع حدیثی متقدم اهل سنت و درباره همه ائمه علیهم السلام صادق است (همان، ص ۱۸۲).

۸۵ رحمان‌ستایش، محمدکاظم و حمید باقری، «کارکردهای نقل روایات اهل سنت در منابع شیعی»، علوم حدیث، ۱۳۸۷، ش ۴۹، ص ۱۳۱-۱۴۷.

۸۶ برای نمونه در کتاب دلائل الامامه، برای ذکر فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام سلسله اسنادی به چشم می‌خورد که راویانی از اهل سنت در آن حضور دارند (برای نمونه، ن.ک: طبری، دلائل الامامه، ص ۱۶۷، ۱۶۹، ۲۲۱). از جمله این راویان، می‌توان قاضی ابوالفرج المعافی بن زکریا (م ۳۱۰هـ.ق)، ابراهیم بن مخلد بن جعفر (م ۳۲۵هـ.ق) و ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد (م ۳۹۳هـ.ق) را نام برد. درباره این افراد، ر.ک: آیت‌الله سبحانی، جعفر، موسوعه طبقات الفقهاء، قم: موسسه الامام الصادق، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۷، ۱۲۰، ۴۵۵.

۸۷. نوری، حسین، *خاتمه مستدرک الوسائل*، قم: موسسه آل‌البیت، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۷۸.
۸۸. رأیت کتبه المتون دون الاسانید و الاسانید دون المتون: نجاشی، پیشین، ص ۹۸-۹۹.
۸۹. برای نمونه: شیخ صدوق، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، ص ۸۴.
۹۰. صدر، سیدحسین، *نهایه‌الدرایه*، تحقیق ماجد الغرباوی، قم: نشر مشعر، بی‌تا، ص ۹۷.
۹۱. برای نمونه: شیخ مفید، *الارشاد*، پیشین، ص ۴۸، ۱۹۳، ۶۷۶.
۹۲. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات*، بیروت: موسسه اعلمی للمطبوعات، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸؛ حسینی عاملی، پیشین، ج ۵، ص ۴۹۰.
۹۳. نجاشی، پیشین، ص ۶۷.
۹۴. دهقانی، رضا، «جیستی نقد تاریخی»، *مجله پژوهش*، ۱۳۹۰، ش ۵، ص ۱۵۴.
۹۵. ملایی توانی، پیشین، ص ۵۷.
۹۶. صفار، پیشین، ص ۱۲۶.
۹۷. شیخ مفید، محمد بن محمد، *اوائل المقالات*، بیروت: دارالمفید للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۰ق، ص ۶۸.
۹۸. برای نمونه در این باره، رک: الهی ظهیر، احسان، *الشیعه و التشیع*، بی‌تا، ص ۲۵-۶۶.
۹۹. حسین بن عبدالوهاب، *عیون المعجزات*، قم: منشورات رضی، بی‌تا، ص ۱۱، ۱۵، ۱۷، ۳۲، ۳۷، ۴۴، ۴۶، ۴۸، ۵۲، ۵۵، ۵۸، ۶۵، ۸۱ و ...
۱۰۰. همان، ص ۳۶.
۱۰۱. برای اطلاع تفصیلی در این باره، رک: صفری‌فروشانی، نعمت‌الله، *غالیان*، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۳-۲۳۱.
۱۰۲. خصبی، پیشین، ص ۷۰-۷۳، ۷۷-۸۲، ۸۶، ۹۱-۹۴، ۹۶-۹۸، ۱۰۶-۱۰۸ و ...
۱۰۳. طبری، *دلایل‌الامامه*، ص ۲۲۴.

۱۰۴. سبک نگارشی که نویسنده در بیان تخیلات و تجسم افکار خود آزادی کامل دارد؛ رک: دهخدا، علی اکبر، «رمانتیک»، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۰۵. برای اطلاع تفصیلی در این باره، رک: جعفریان، منابع تاریخ اسلام، نشر علم، ۱۳۹۳، ص ۴۵۳.
۱۰۶. پاکتچی، پیشین، ص ۲۰۲.
۱۰۷. خصیبی، پیشین، ص ۷۰-۷۳.
۱۰۸. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۸۸-۹۳.
۱۰۹. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، موسسه مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۴، ج ۱۸، ص ۳۴۶.
۱۱۰. خصیبی، پیشین، ص ۱۰۹.
۱۱۱. طبری، دلائل الامامه، ص ۹۵-۱۰۰، ۱۳۴-۱۳۱، ۲۳۳-۲۴۱، ۲۷۶-۲۸۲، ۴۸۹-۴۹۶.
۱۱۲. نجاشی، پیشین، ص ۹۸-۹۹.
۱۱۳. این توجه، گاه در تکثیر دلایل کاربرد داشت و برای نمونه در دوره‌ای این ذهنیت عمومی وجود داشت که تعداد بالای روایات یک راوی، دلیل بر مقام بیشتر او خواهد بود؛ رک: جبّاری، پیشین، ص ۳۶۹.
۱۱۴. شیخ مفید، الارشاد، ص ۴۳۰.
۱۱۵. خصیبی، پیشین، ص ۱۲۱-۱۲۲.
۱۱۶. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۳۲۰.
۱۱۷. مسعودی، علی بن حسین (منسوب)، اثبات الوصیه، تهران: الاسلامیه، ۱۳۶۲، ص ۱۷۸.
۱۱۸. طبری، دلائل الامامه، ص ۱۵۰.
۱۱۹. القرآن الکریم، سوره مزمل، آیه ۸.
۱۲۰. ابن منظور، لسان العرب، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۹۵م، ج ۱، ص ۳۱۱.

۱۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ القرآن الکریم، قم: دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۲ق، ص ۳۴.
۱۲۲. برای نمونه، روایت بدون هیچ‌گونه تغییر در سند و متن، توسط شیخ صدوق (علل الشرایع، تحقیق سیدمحمدصادق بحرالعلوم، منشورات المکتبه الحیدریه، ۱۹۶۶م، ج ۱، ص ۱۸۱؛ معانی الاخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۹ق، ص ۶۴) و قتال نیشابوری (روضه الواعظین، قم: منشورات شریف رضی، بی‌تا، ص ۱۴۹) نقل شده است.
۱۲۳. طبری، دلائل الامامه، ص ۴۵۱.
۱۲۴. درباره این واژه، رک: ابن منظور، پیشین، ج ۱۳، ص ۲۳۱.
۱۲۵. درباره این واژه، رک: جوهری، صحاح، تحقیق احمد عبدالغفور، بیروت: دارالعلم، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۲۱.
۱۲۶. برای نمونه، رک: کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۵۲۸؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۸.
۱۲۷. خصیبی، پیشین، ص ۲۱۵.
۱۲۸. طبری، دلائل الامامه، ص ۷۰۶.
۱۲۹. طاهری، محمود، «فتح قسطنطنیه»، تاریخ اسلام، ۱۳۸۶، ش ۲۹، ص ۱۱۴.
۱۳۰. طبری، دلائل الامامه، ص ۵۵۶.
۱۳۱. در دوره مذکور، خراسان بزرگ شامل ماوراء النهر و نیز سرزمین‌های جنوب، تاری را شامل می‌شده است؛ رک: مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علی‌نقی منزوی، تهران: کاویان، ۱۳۶۱، ص ۳۸۱.
۱۳۲. برای نمونه، از اسامی غسان بن محمد بن غسان، عمران بن خالد بن کلیب، سهل بن علی بن صاعد، حسکه بن هاشم، احوص بن محمد بن اسماعیل و بلبل بن مالک بن سعد بن طلحه نام برده است؛ رک: طبری، دلائل الامامه، ص ۵۶۰.

۱۳۳. همان.
۱۳۴. ابن حنبل، مسند، بیروت: دارصادر، بی تا، ج ۵، ص ۲۷۷.
۱۳۵. برای اطلاع تفصیلی از هماهنگی گزارش یاد شده با قیام عباسیان، رک: صادقی، مصطفی، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸-۱۲۰.
۱۳۶. شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۶۳.
۱۳۷. کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۲۲۴-۲۲۵.
۱۳۸. حبیب الناصری، محمد ریاض، الواقفیه درسه تحلیلیه، مشهد: المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۹۵-۹۸.
۱۳۹. برای نمونه، رک: کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۹۲.
۱۴۰. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵۶.
۱۴۱. شیخ مفید، الارشاد، ص ۲۶۲.
۱۴۲. برای نمونه درباره ویژگی‌های مثبت تاریخ‌نگاری شیخ مفید، رک: خانجانی، پیشین، ص ۱۰۱-۱۱۷.
۱۴۳. خصبی، پیشین، ص ۱۲۱؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۴۴۱، ۴۷۲، ۴۸۴.
۱۴۴. شیخ مفید، اوائل المقالات، ص ۲۸.
۱۴۵. همان.
۱۴۶. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۵۳۱-۵۳۴.
۱۴۷. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۱۴.
۱۴۸. درباره اندیشه و تاثیرات آنان در این باره، رک: صفری‌فروشانی، غالیان، ص ۳۰۹-۳۲۷.